

وَفَاعْلَمَ

عَدْلُ وَكِفَافٌ

آیة الله جواه

حجۃ الاسلام و المسلمین محمد رضا مصطفی پور

۸- احترام متقابل افراد ۹- امانت داری.
۱۰- روحیه فداکاری و ایثارگری در افراد جامعه و
مواردی مانند آن.

ناگفته نماند این مجموعه‌ای که بر شمرده شد ممکن است برخی در برخی تأثیر داشته باشند از باب مثال مهمنترین بُعد سرمایه اجتماعی اعتماد است که با عواملی چون صداقت، امانت داری و عمل به وعده و پای بندی به تعهدها و پیمان‌ها تثبیت می‌شود.

با توجه به این که اعتماد متقابل افراد اجتماع نسبت به یکدیگر یکی از مهمنترین سرمایه‌های یک اجتماع است و همین مؤلفه است که جامعه را از صورت آحاد پراکنده بیرون می‌آورد و همچون رشته‌های زنجیر آن‌ها را بهم پیوند می‌دهد و پشتونه فعالیت‌های هماهنگ اجتماعی و همکاری در سطح وسیع می‌گردد. اسلام به عنوان دین جامع، مسلمانان را به اموری فراخوانده است تا با عمل به آن، اعتماد متقابل را در جامعه تقویت و تحکیم نموده و همبستگی اجتماعی را پایدار سازند که از جمله از آن امور وفا به عهد و پای بندی به قرار داده است.

اجتماعی افراد مؤثر است و یا سرمایه اجتماعی عبارت است از ارزش آن جنبه از ساختار اجتماعی که به عنوان منبعی در اختیار افراد و اعضاء قرار می‌گیرد تا بتواند به اهداف و منافع خود دست یابد و برخی آن را مجموعه‌ای از مفاهیمی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه می‌دانند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضاً یک اجتماع می‌شود و در نهایت منافع متقابل آن‌ها را تأمین می‌کند. با توجه به این تعاریف می‌توان گفت سرمایه اجتماعی را می‌توان اعتماد و هنجارهای اجتماعی دانست که در یک شبکه ارتباط اجتماعی وجود دارد که منشأ عمل متقابل اجتماعی می‌گردد.

مجموعه آن چه که محتوای سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهد عبارت است از: ۱- اعتماد به کسانی که در زندگی اجتماعی با آن‌ها در ارتباط هستیم. ۲- مشارکت اجتماعی با حضور در فعالیت‌های سیاسی و نظارت و انتقاد در رفتار سیاسی افراد. ۳- اتحاد و همبستگی بین افراد جامعه. ۴- احسان تمقید و مسئولیت پذیری. ۵- قانونداری ع و جدان کاری و انصباط ابتدامی. ۶- صداقت و راستگویی و راست کرداری

■ مقدمه ■
سرمایه واژه آشنایی است که همه انسان‌ها مفهوم آن را می‌دانند اما باید دانست که سرمایه دارای معنای گسترده است. فقط بر مال و ثروت و پول و دارایی سرمایه اطلاق نمی‌شود. بلکه در این سرمایه اقتصادی از سرمایه انسانی نیز سخن به میان می‌آید و بالاتر از آن، توانایی‌ها، استعدادها و علاقه‌ها و بیانش‌های یک فرد و تفکر و اندیشه‌های او از مصاديق سرمایه به حساب می‌آید.

یکی از سرمایه‌های مهم هر جامعه‌ای که از مؤلفه‌های مهم و مؤثر و اساسی در توسعه و ثبات آن جامعه محسوب می‌شود سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی آن قدر مهم است که توسعه اقتصادی و سیاسی و فرهنگی در پرتو او تحقق پیدا می‌کند تا آن جا که می‌توان گفت سرمایه انسانی ابزاری برای رسیدن به سرمایه اجتماعی شمرده می‌شود، گاه از این سرمایه به ثروت نامی و پنهان یاد می‌شود، سرمایه اجتماعی مجموعه منابعی است که در ذات روابط خانوادگی و در سازمان‌های اجتماعی جامعه وجود دارد و بر رشد شناختی و یا

■ مؤمنان و لزوم وفای به عهد

در قرآن کریم در آیات گوناگونی مؤمنان را به این اصل حیاتی در جلب اعتماد اجتماعی توجه داده است گاهی در جایی که مؤمنان را به رستگاری می‌ستاید یکی از ویژگی‌های آن‌ها را رعایت عهد و پیمان می‌داند و می‌فرماید: «قد افلح المؤمنون...و الذين هم لاماناتهم و عهدهم راعون»^(۱) مؤمنان رستگار شدند آن‌ها کارهای فراوانی انجام می‌دهند که از جمله آن رعایت امانت‌ها و عهد است. یعنی آن‌ها امانت‌ها و عهد خود را رعایت می‌کنند در سوره مساجد نیز هنگام بر شمردن ویژگی‌های نمارگزاران، رعایت امانت‌ها و عهد را نیز از جمله آن‌ها می‌داند «و الذين هم لاماناتهم و عهدهم راعون»^(۲)

در سوره بقره نیز هنگام بیان ویژگی‌های بر و نیکی و نیکان می‌فرماید: «والمومنون بعهدهم اذا عاهدوا»^(۳) یکی از ویژگی‌های نیکان آن است که آن‌ها به هنگامی که پیمان می‌بندند به آن وفا می‌کنند.

به لحاظ این که وفای به عهد و پیمان از عوامل مهم اعتماد متقابل اجتماعی و در نتیجه از عوامل مهم سرمایه اجتماعی است. در روایات آمده است که رعایت عهد و پیمان و وفاء به آن نسبت به همه لازم است خواه طرف مقابل مسلمان باشد یا کافر و نیکوکار باشد یا بدکار. امام باقر(ع) فرمود: «ثلاث لم يجعل الله عزّ و جلّ لأحد فيهن رخصة: اداء الامانة الى البر و الفاجر والوفاء بالعهد للبيز و الفاجر و بـالوالدين بـرئـنـ کـانـ او فـاجـرـینـ»^(۴) سه چیز است که خدای سبحان اجازه ترک آن را به کسی نداده است: ۱- اداء امانت نسبت به نیکوکار و بدکار ۲- وفاء به عهد و پیمان نسبت به نیکوکار و بدکار ۳- نیکی به پدر و مادر چه نیکوکار باشند چه بدکار.»

■ معنای عقد

عقد در آیه به معنای (عقود) یعنی پیمان است. گرچه عقد را لغت آن چیزی است که بشر در کارهای روزانه خود در امور محسوس به کار می‌برد مانند گره زدن با طناب اما همین عمل در امور معنوی نیز به کار می‌رود مانند پیمان هایی که میان انسان‌ها برقرار می‌شود.

نسبت عقد و عهد عموم وخصوص مطلق است هر عقدی عهد است ولی هر عهدی عقد نیست.

■ وفای به عهد از احکام بین‌المللی اسلام

قرآن کریم بر وفا به عقد و عهد تکیه می‌کند و آن را از برنامه‌های بین‌المللی خود می‌داند. هرگاه انسان عقدی می‌بندد خواه با شخص یا دولتی چه مؤمن و مسلمان یا کافر، این عقد واجب "الاطاعة و واجب الوفاء" و نقض آن حرام است. از این رو قرآن به مؤمنان دستور

پیامبر گرامی اسلام(ص) نیز فرمود: «من کان یؤمن بالله و اليوم الآخر فلیف اذا عهد»^(۵) کسی که به خدا و روز قیامت اعتقاد دارد باید به عهد و پیمان خود وفا کند.

در سوره اسراء نیز خطاب به مؤمنان فرمود: «و اوفوا بالعهد ان العهد كان مسؤولاً»^(۶) و به عهد و پیمان خود وفا کنید که از عهد سؤال می‌شود.» سؤال از عهد را مفسران به گونه‌های مختلف تفسیر کرده‌اند ولی روشن ترین وجه آن است که از خود وفاء به عهد سؤال می‌کنند یعنی آدمیان در مقابل عهد و پیمان مسؤولند که آن را وفاء کنند و اگر کسی به آن وفاء نکرده باز مسؤول است که چرا به آن وفا نکرده است. در سوره مبارکه مائده به ایمان آورده‌ها

می‌دهد به عقد و عهدی که با مشرکان بسته‌اند وفادار باشند. کیف یکون للمشرکین عهد عنده اللہ و عنده رسوله الٰى الَّذِينَ عاهَدْتُمْ عند المسجد الحرام فما استقاموا لكم فاستقیموا لهم^(۷) چگونه برای مشرکان پیمانی نزد خدا و رسول او خواهد بود (در حالی که آن‌ها همواره آماده شکستن پیمان شما هستند) مگر کسانی که نزد مسجد الحرام با آنان پیمان بستید (و پیمان خود را محترم شمردند) تا زمانی که در برابر شما وفادار باشند شما نیز وفاداری کنید. اما اگر سرگردان آن‌ها پیمان شکنی کردن با آنها سبب شویست کنید: «و ان نکثوا ايمانهم من بعد عهدهم وطنعوا في دينكم فقاتلوا ائمه الفکر ائمهم لايمان لهم»^(۸) و اگر پیمان‌های خود را پس از عهد بشکنند و آین شما را مورد تعنی قرار دهند با پیشوایان کفر پیکار کنید چرا که آن‌ها پیمانی ندارند.»

■ اقسام عهد و پیمان

عهد و پیمان دلایل اقسامی است:

۱- عهد با خدا که عقد توحید است یعنی انسان با خدا میثاق و پیمان می‌بندد که او را به یکتایی و یگانگی بشناسد و فقط در برابر او عبادت کند و از او - پیروی نماید و از غیر او چه شیطان باشد، چه انسان باشد یا هوای نفس باشد - اطاعت ننماید. از این رو قرآن در سوره یس فرمود: «اللَّهُ أَعْهَدَ إِلَيْكُمْ يَا بْنَ آدَمَ إِنَّ لَعْنَدِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌ مُّبِينٌ وَ إِنَّ لَعْنَدِنَا إِنَّهُ لَكُمْ صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ»^(۹) آیا با شما اعبدونی هذا صراط مستقیم؟ آیا با شما عهد نکردم ای فرزندان آدم که شیطان را نپرسید که او برای شما دشمن آشکاری است و این که مرا پیرستید که راه مستقیم این است.»

در لزوم وفای به عهد الهی فرمود: «و اوفوا بعهد الله اذا عاهدت و لا تنتضوا الايمان بعد توکيدها و قد جعلتم الله عليکم كفلاً»^(۱۰) هنگامی که با خدا عهد بستید به عهد با خدا وفا کنید و سوگندها را بعد از محکم ساختن نشکنید در حالی که خدا را کفیل و ضامن بر سوگند خود قرار داده‌اید.»

۲- عهد با رسول خدا که همان عهد نبوت با رسول خدا است.

۳- عهد با اولیاء خدا که همان عقد ولایت با آن هاست.

در این سه قسم آدمی باید با پیمانی که به خدا و پیامبر و اهل بیت او منعقد کرده است وفاء کند.

۴- عهد با مردم: انسان هر نوع تعهد و قراردادی که با مردم منعقد می‌کند باید به آن وفاء کند که ممکن است این عهد در قالب

فرمود: «يا ايها الذين آمنوا اوفوا بالعقود احللت لكم بهيمة الانعام الـا ما يتلى عليكم غير محلـي الصـيد و انتـم حـرم ان الله يـحكم ما يـسرـيد»^(۱۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید به پیمان‌ها (و قراردادها) وفا کنید چهارپایان برای شما حلال شده است مگر آن چه بر شما خوانده می‌شود و استثناء خواهد شد، و به هنگام احرام صید را حلال نشمرید خداوند هرچه بخواهد در مصلحت باشد، حکم می‌کند.»

در این آیه مؤمنان را مخاطب قرار داده و از آن‌ها خواسته است که به پیمان‌ها و قراردادها وفا کنند و در واقع با این خطاب به مؤمنان گوش زد می‌کند که ایمان تو می‌طلبد به پیمانی که داری وفادار باشی و اگر می‌خواستی ایمانت به کمال برسد و مؤمن راستین باشی باید این دستور را به کارگیری، علاوه بر این وجه، چهت دیگر در خطاب است و آن این که خطاب ای مؤمنان از اسری خدا شیرینی و لذتی را در مؤمن ایجاد می‌کند که رنج این تکلیف و مسؤولیت را از ایشان می‌زداید. از این رو امام صادق(ع) فرمود: «لذة ما في الندا ازال تعب العبادة والعناء»^(۱۲) لذت موجود در ندا و خطاب الهی رنج و سختی عبادت و اطاعت را زایل می‌کند.»

زیرا آدم مؤمن خود را مخاطب خدایی می‌داند که کامل و کمال مطلق و جمال و جلال مطلق و دارنده همه اسماء حسننا و زیبایی‌ها است که انسانی را که تمام وجود و فقر و نیاز و ولایتگی است و از خود چیزی ندارد شایستگی آن را پیدا کرده مخاطب او شود. و به او فرمان دهد و از او تکلیف وظیفه‌ای طلب کند.

■ معنای عقد

عقد در آیه به معنای (عقود) یعنی پیمان است. گرچه عقد را لغت آن چیزی است که بشر در کارهای روزانه خود در امور محسوس به کار می‌برد مانند گره زدن با طناب اما همین عمل در امور معنوی نیز به کار می‌رود مانند پیمان هایی که میان انسان‌ها برقرار می‌شود.

نسبت عقد و عهد عموم وخصوص مطلق است هر عقدی عهد است ولی هر عهدی عقد نیست.

■ وفای به عهد از احکام بین‌المللی اسلام

قرآن کریم بر وفا به عقد و عهد تکیه می‌کند و آن را از برنامه‌های بین‌المللی خود می‌داند. هرگاه انسان عقدی می‌بندد خواه با شخص یا دولتی چه مؤمن و مسلمان یا کافر، این عقد واجب "الاطاعة و واجب الوفاء" و نقض آن حرام است. از این رو قرآن به مؤمنان دستور

باشدند. قرآن کریم یکی از مصادیق و اسوه‌های وفا به عهد را ابراهیم خلیل الرحمن معرفی کرده است و فرمود: «وَابْرَاهِيمُ الَّذِي وَفَى»^(۱۷) و ابراهیمی که به عهد خود وفاء کرده و وظیفه خود را به طور کامل ادا کرد.

از حضرت اسماعیل نیز به (صادق ال وعد) یاد کرد و فرمود: «وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا»^(۱۸) و در این کتاب از اسماعیل یاد کن که او در وعده‌هایش صادق و رسول و پیامبری بزرگ بود.

ذکر حضرت ابراهیم و اسماعیل به عنوان وفاء کنندگان به عهد و صادق بودن در وعده از باب مثال است، در واقع همه انبیاء الهی از این وصف مهم بهره‌مندند و مؤمنان باید در وفاء به پیمان به آن‌ها اقتداء کرده و آن‌ها را اسوه خود قرار دهند.

■ **بعاد عهد و پیمان و وفاء به آن**
عهد و عقد دارای بعاد مختلفی است هم دارای بعد فقهی و حقوقی است و هم دارای بعد اخلاقی، در فقه و حقوق از عهد و عقد از جهت لزوم و جواز و از جهت امکان فسخ و عدم آن و همچنین از این جهت که با چه کسانی می‌شود پیمان بست و با چه کسی نمی‌توان پیمان بست بحث می‌شود که به تفصیل در فقه و حقوق مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اما از جنبه اخلاقی، از معاذه و پیمان از آن جهت بحث می‌شود که دارای ارزش معنوی است و موجب کمال نفس می‌گردد و به لحاظ اجتماعی موجب تحکیم پیوندهای اجتماعی و تقویت اعتماد عمومی می‌گردد.

■ **وفای به عهد در روایات**
در احادیث و روایات در زمینه وفا به عهد تعبیرات بسیار جالبی به کار رفته که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۱- پیامبر اسلام(ص) فرمود: «لَادِينِ لَمْنَ لَاعْهَدْ لَهُ»^(۱۹) کسی که پای بند به عهد و پیمان خود نیست دین ندارد.

بر اساس این حدیث دین و دین داری در پای بندی به عمل به پیمان هاست چه پیمان خالق با انسان و چه پیمان مخلوق با مخلوق و امیرالمؤمنین (ع) فرمود: «اَصْلُ الدِّينِ اَدَاءُ الْإِمَانَةِ وَالْوَفَاءُ بِالْمَعْهُودِ»^(۲۰) اصل دین داری در اداء ایمان و وفا داری به پیمان است.

۲- حضرت امیر(ع) در فرماش به مالک اشت بر مساله وفای به عهد در برای هر کس و هر گروه تأکید می‌کند و می‌فرماید: «وَ ان

پیمان می‌بندند که با حضور در جبهه‌های نبرد از دین خدا دفاع کنند، عده‌ای صادقانه بر این عهد پای بندند و تا پای شهادت پیش می‌روند و عده‌ای در انتظارند و عده‌ای پیمان شکنی می‌کنند، قرآن کریم در سوره احزاب در این خصوص می‌فرماید: «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهُ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مِنْ قَضَى نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَلُوا تَبْدِيلًا»^(۲۱) در میان مؤمنان مردانی هستند که بر سر عهدی که با خدا بستند صادقانه ایستاده‌اند و بعضی پیمان خود را به آخر برندند و در راه او شربت شهادت نوشیدند و بعضی دیگر در انتظارند و هرگز تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود نداده‌اند.

و درباره آن هایی که پیمان شکنی کرده‌اند می‌گوید: «وَلَقَدْ كَانُوا عَاهَدُوا اللَّهُ مِنْ قَبْلِ لَا يُولُونَ الْأَدْبَارَ وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْوُلًا»^(۲۲) آن‌ها پیش از این با خدا عهد کرده بودند که پشت به دشمن نکنند و عهد الهی مورد سؤال قرار خواهد گرفت (و در برابر آن مسؤولند). بر اساس این دو آیه مؤمنان واقعی بر عهد خود با خدا و پیامبر پای بندند اما منافقان یا فاسقان نه تنها بر عهد خود پای بند نیستند بلکه نقص عهد کرده و پیمان شکنی می‌کنند.

■ **وفای به عهد از اوصاف الهی**
خدای سبحان دارای اسماء حسنا و صفات جمال و کمال فراوانی است که از جمله آن اوصاف (وفی) یعنی وفا کننده به عهد است از این رو در سوره توبه فرمود: خدای سبحان با مؤمنان معامله‌ای می‌کند و از آن‌ها جان و اموالشان را می‌خرد و در برابر به آنان بیهشتبه می‌دهد. سپس می‌فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ قَاتِلَ التُّرَاثَةِ وَالْأَنْجِيلِ وَالْقُرْآنَ وَمَنْ أَوْفَ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ»^(۲۳) این عده حقی است بر او که در قرآن و تورات و انجیل آن را بیان کرده و چه کسی از خدا به عهدهش وفادارتر است.

بر این اساس انسانی که به عهد خودش وفاء می‌کند مظاهر مشیت خدا است و در جای دیگری فرمود: «وَأَوْفُوا بِعَهْدِ أَوْفَ بِعَهْدِكُمْ»^(۲۴) به پیمانی که با من بسته‌اید وفا کنید تا من نیز به پیمان شما وفا کنم. ادمی باید که به پیمانی که با خدا بسته وفادار باشد که نتیجه آن وفاء عهد از سوی خداست.

■ **انبیاء الهی الگوی وفاء به عهد**
پیامران الهی و اولیاء خدای سبحان از وفا کنندگان به عهد الهی هستند انسان‌ها نیز باید با اسوه قرار دادن آن‌ها به عهد و پیمان پای بند

معاملات و دادوستد انجام شود که وفاء به آن در چارچوب همان قرار داد لازم الوفاء است از باب مثال اگر معامله‌ای انجام شد و خربد و فروشی به وقوع پیوست، خربدار باید بول را پرداخت کند و فروشنده نیز باید کالا را تحويل دهد و اگر تعهدات از نوع اخلاقی باشد در آن جا نیز به لحاظ این که آن تعهد محترم است لازم الوفاء است و گرنه آدمی از نیل به کمال و فضائل اخلاقی و مقامات عالیه انسانی باز می‌ماند.

■ **پیمان شکنی ذورمندان**

تحليل قرآن درباره وفاء به عهد و عقد آن است که عده‌ای قدرتمند و قدرت مدار به عهدشان وفا نمی‌کنند و این سر فتنه عالم است، انسان نمی‌تواند زندگی کند. چنان که دولتها باید به ناجار با دولت‌های دیگر تعامل مالی یا حقوقی داشته باشند و این بدون عقد و عهد تحقق پیدا نمی‌کند و اگر به تعهد عمل نشود و هر قدر تمند عقدش را زیر پاگذارد نمی‌توان مسالمت‌آمیز زندگی کرد. بر این اساس است که احترام به عقود و قرار داد متنقابل واجب و لازم است و اگر قدرتمندی با اثکاء به قدرت خود در رابطه با ملت‌های ضعیف تنهای به منافع خود بیاندیشند و با اندک بهانه‌ای پیمان شکنی کند نمی‌توان نظمی در جهان برقرار کرد و با امنیت و آرامش به زندگی ادامه داد. از این رو لازم است همه آدمیان بر اساس این قانون بین المللی به عقد و عهد پای بند بوده و به منافع همگان فکر کنند تا ثبات و امنیت برقرار و ادامه زندگی می‌سوز باشد.

۵- **عهد با خویشن:** عهدهایی که انسان به هنگام تهذیب نفس و خودسازی و در طریق تکامل صفات نیک و اعمال صالحه با خودش منعقد می‌کند، یعنی انسان با خود تعهد می‌کند که هر روز جز در مسیر طاعت حق گام بردارد و از گناهان بپرهیزد و این عهد با خویشن همان است که علمای اخلاق و عرفان از آن به مشارطه و مراقبه و محاسبه یاد می‌کنند که ادمی بیوسته با خود شرط می‌کند هر روز چه کارهایی را انجام دهد و از چه کارهایی پرهیز کند و در طول روز مراقب و نگهبان خویش باشد که به این تعهد عمل کند و شامگاهان با محاسبه و حسابرسی از خویشن و بررسی اعمال روزانه خود کاستی‌های خود را شناخته و با توجه به آن با توبه به جبران آن اقدام کند و در صورت مثبت بودن اعمال به ستایش خدای سبحان بپردازد.

■ **شهداء وفا کنندگان به عهد الهی**
در قرآن کریم آمده است که مجاهدان با خدا

عقدت بینک و بین عدوک عقدة او البسته منک ذمۃ فخط عهدک بالوفاء وارع ذمتك بالامانة واجعل نفسک جنة دون ما اعطيت فانه ليس من فرائض الله شیء الناس اشد عليه اجتماعاً مع تفرق اهوارهم و تشتت آرائهم من تعظيم الوفاء بالعهود وقد لزم ذلك المشركون فيما بينهم دون المسلمين لما استولبوا من عواقب الغدر^(۲۱) اگر بين تو و دشمنت پیمانی بسته شد و يا تعهد پناه دادن را به او داده اي جامه وفا را بر عهد خویش بپوشان و تعهدات خود را محترم بشمار و جان خویش را سپر تعهدات خود قرار ده زیرا هيچيک از فرائض الهی نیست که همچون وفا به عهد و پیمان مردم با تمام اختلافاتی که دارند نسبت به آن این چنین اتفاق نظر داشته باشند، حتى مشرکان زمان جاهلیت علاوه بر مسلمانان آن را مراعات می کردند زیرا عوایق پیمان شکنی را آزموده بودند».

۳- امام علی(ع) در حدیث دیگری فرمود: «ان العهود قلائد في الاعناق الى يوم القيمة فمن وصلها وصله الله و من نقضها خذله الله»^(۲۲) عهد و پیمان طوقی بر گردن انسان هاست ناروز قیامت، کسی که آن را پیوند دهد و به آن وفا کند خداوند پیوند او را برقرار سازد و کسی که آن را بشکند خداوند او را به حال خود رها می سازد».

در حدیث دیگری امام علی(ع) فرمود: «اشرف الخلاق الوفاء»^(۲۳) بهترین آفریدهها و يا بهترین خلق و خوى وفای به عهد و پیمان است».

و در روایتی پیامبر اکرم(ص) فرمود: پیمان شکنی موجب سلطان دشمنان می شود: «اذا نقضوا العهد سلط الله عليهم عدوهم»^(۲۴) هنگامی که مردمی پیمان شکنی کنند خدای سبحان دشمنانشان را بر آنان سلط می سازد».

■ آثار فردی و اجتماعی وفا به عهد
در ضمن بحث های گذشته روشن شد که پای بندی به عهد و پیمان چه آثار و عوایق و بی آمدهایی برای فرد و جامعه دارد اما در عین حال برخی از آن ها به صورت فهرست وار بیان می شود:

- ۱- حفظ اعتماد اجتماعی و تحکیم آن به عنوان یکی از مؤلفه های سرمایه اجتماعی در پرتو عهد و پیمان و عمل به آن.
- ۲- حافظ شخصیت و بزرگی چنان که حضرت امیر(ع) فرمود: «الوفا حصن المؤدد»^(۲۵) وفاء به عهد قلعه و دژ محکم بزرگی و شخصیت است.
- ۳- ورود به بهشت: در برخی روایات یکی از عوامل تضمین بهشت را وفاء به عهد و پیمان ذکر کرده است.
- ۴- نشانه و دلیل ایمان: علی علیه السلام فرمود: «من دلایل الایمان الوفاء بالعهد؛ یکی از نشانه های ایمان وفاء به عهد است».

بی نوشت ها:

۱. سوره مؤمنون، آیه ۸
۲. سوره ساروخ، آیه ۳۲
۳. سوره نقره، آیه ۱۷۷
۴. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۲
۵. همان، ص ۲۶۴
۶. سوره اسراء، آیه ۲۴
۷. سوره مائدہ، آیه ۱
۸. مجمع البیان، ج ۱، ص ۴۹۰
۹. سوره نوح، آیه ۷
۱۰. همان، آیه ۱۲
۱۱. سوره یاس، آیه ۵۶-۶۰
۱۲. سوره نحل، آیه ۹۱
۱۳. سوره احزاب، آیه ۵۳
۱۴. همان، آیه ۱۵
۱۵. سوره توبه، آیه ۱۱۱
۱۶. سوره نفره، آیه ۴۰
۱۷. سوره نجم، آیه ۳۷
۱۸. سوره مریم، آیه ۵۴
۱۹. بخار الانوار، ج ۶، ص ۱۹۸
۲۰. غرر الحکم، حدیث ۱۷۵۴
۲۱. نهج البالغه، نامه ۵۳
۲۲. غرر الحکم، حدیث ۳۶۵۰
۲۳. همان، حدیث ۲۸۵۹
۲۴. بخار الانوار، ج ۶، ص ۲۶
۲۵. غرر الحکم، حدیث ۱۰۴۴